



## درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۳۰ بهمن ۸۹

مصادف با: ۱۵ ربیع الاول ۱۴۳۲

جلسه: ۱۹

موضوع کلی: کتاب کافی

موضوع جزئی: بررسی اشکالات وارده بر اعتبار کافی

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### بررسی احتمال دوم:

بحث ما رسید به پاسخ به احتمال دوم از اشکال دوم که به اعتبار روایات کافی شده بود، اشکال دوم این بود که اگر صحت در مورد روایات کافی به این معنا باشد که روایات با وجود قرائن دیگری صحیح باشند یعنی فی نفسها واجد شرائط حجیت نباشند اما به اعتبار وجود قرائنی ما قائل شویم به اینکه روایات کافی صحیح است این احتمال یعنی صحت به جهت وجود قرائن ولو اینکه راویان این روایت ضعیف باشند فی نفسه ممکن است و هیچ بعدی ندارد که روایتی به دلیل وجود قرائنی صحیح باشد اما مستشکل می‌گوید:

**اولاً:** این خیلی بعید است که همه این روایات به اعتبار این قرائن صحیح باشند.

**ثانیاً:** اگر این احتمال مراد باشد که بگوییم صحت در کلام کلینی به این معنا است، این در حقیقت اجتهاد و استنباطی است از ناحیه مرحوم کلینی یعنی اخبار عن حدس است نه عن حس و استنباط مرحوم کلینی برای ما حجت نمی‌باشد.

### پاسخ:

پاسخ این است که این قرائن چه قرائنی است که بواسطه آنها روایت صحیح تلقی می‌شود، قرائن مشخص و معلوم است یعنی قرائن مضبوط است و در نزد ما به عنوان قرائن متعارف و مشخص شناخته می‌شوند. قرائنی که روایت بواسطه آنها صحیح تلقی می‌شود نمی‌تواند خارج از این چهارچوب متعارف باشد این قرائن در کتب توسط بزرگان معلوم شده مثلاً مرحوم شیخ طوسی در تهذیب و در استبصار این قرائن را ذکر کرده که این قرائن یا موافقت با نص کتاب، ظاهر کتاب، عموم دلیل کتاب، خصوص دلیل کتاب است یا موافقت با اجماع و یا موافقت با یک سنت قطعی است یا اینکه مثلاً روایت از اصل یا کتاب مشهور اخذ شده باشد، همین که مرحوم کلینی روایتی را از اصل یا کتاب مشهوری اخذ کرده باشد شاید برای او این اطمینان را ایجاد کرده باشد که این روایت صحیح است به هر حال این قرائن، قرائن غیر متعارفی نیست. اگر ما این قرائن را بنگریم عمدتاً اخبار از خبری که محفوف به این قرائن باشد اخبار حسی می‌باشد و اجتهاد و استنباط نیست پس ما در جواب مستشکل می‌گوییم صحت روایات کافی با اعتماد بر قرائن، اجتهاد و استنباط و اخبار عن حدس نیست چون خبر اگر خبر حسی باشد معتبر است و ادله حجیت خبر واحد خبری را حجت می‌داند که حسی باشد و خبر حسی هم خبری است که کسی مستند به حواس خودش واقعه‌ای را بشنود یا ببیند و بعد برای دیگران نقل بکند که اگر مخبر چنین خبری ثقه باشد این خبر حجت است اما خبر عن

حدس حجت نیست به این معنا که یک مقدمات و مبادی وجود داشته باشد و مخبر از روی آن مقدمات و مبادی حدس بزند و استنباط بکند و استنباط و حدس خودش را برای دیگران نقل کند که در این صورت آن خبر حجت نمی‌باشد چون ادله حجیت خبر واحد شامل خبر از روی حدس و استنباط نمی‌شود.

### **خلاصه اشکال و پاسخ:**

همه نزاع ما و مستشکل این است که مستشکل می‌گوید: کلینی که مدعی است روایات کافی صحیح است اگر صحت به این معنا باشد که کلینی با تمسک به قرائنی که حول این روایات وجود داشته استنباط کرده که این روایات صحیح می‌باشند در این صورت اخبار کلینی به صحت روایات کافی اخبار حدسی می‌باشد و حجت نیست چون استنباط و اجتهاد کلینی برای ما اعتبار ندارد و نمی‌تواند صحت روایات کافی را ثابت کند.

ما در پاسخ مستشکل می‌گوییم که اخبار کلینی حسی است نه حدسی برای این که این قرائن معین و معلوم هستند و اگر مرحوم کلینی مستنداً به یکی از این قرائن مثل موافقت کتاب یا موافقت یک سنت قطعی یا اجماع مسلمین و یا اخذ از یک کتاب یا اصل مشهور، روایتی را صحیح دانسته است در این صورت اخبار مرحوم کلینی به صحت روایت اخبار حسی است چون این قرائن برای خود مرحوم کلینی به صحت روایات اطمینان ایجاد می‌کند نه اینکه از این قرائن استنباط صحت بکند به عبارت دیگر مرحوم کلینی همانطور که وقتی سند یک روایت کاملاً صحیح باشد به صحت روایت اطمینان پیدا می‌کند و وقتی از صحت روایتی خبر می‌دهد اخبار او عن حس است وقتی هم که معتمداً بر قرائن متعارف و مشخصی که وجود دارد به صحت روایتی اذعان پیدا کرد اخبار او به صحت روایت حسی می‌باشد و روایت صحیح می‌باشد چون قرائن، متعارف و مشخص هستند که عمدتاً موجب اطمینان به صدور روایت می‌باشند و عمدتاً مستنداً به حس هستند.

**نکته:** در مورد بعضی از قرائن ممکن است اشکال استناد به حدس پیش بیاید مثلاً اعتماد به فحوای دلیل کتاب به عنوان قرینه یا موافقت با عقل که اعتماد بر اینگونه قرائن اخبار عن حدس است ولی عمده‌ی قرائن مشخص و معلوم است لذا در همین مورد هم که صحت به معنای وجود قرائنی است که موجب اطمینان به صدور روایت و صحت روایت می‌شود سخن ما این است که اخبار حسی است و عن حدس نیست و صحت روایات کافی بنا بر این احتمال و آنچه را که خود مرحوم کلینی گفته قابل قبول است.

### **اشکال:**

ممکن است اشکال شود اینکه مرحوم کلینی ادعا می‌کند روایات کافی صحیح است مبتنی بر این است که مرحوم کلینی همه راویان روایات کافی را امامی می‌دانسته که در این صورت صحت روایات کافی برای ما ثابت نمی‌شود زیرا در بین راویان کسانی هستند که امامی نیستند.

### **جواب:**

پاسخ این است که در نزد عمده‌ی قداما این مسئله مسلم بود که به روایات اشخاص ثقه و عادل اخذ می‌کردند و امامی بودن روایت نزد قداما به هیچ وجه اهمیت نداشته و صرف وثاقت و عدالت راوی در اعتماد به خبر او کفایت می‌کرد.

**ثمره بحث:** ثمره بحث این است که اگر ما قائل شویم به اینکه جمیع روایات کافی صحیح است روایات کافی بررسی سندی نمی‌خواهد و صرف اینکه مرجع نقل روایت، کتاب کافی باشد آن روایت صحیح است لذا روایاتی را که مثلاً شیخ طوسی یا شیخ صدوق از کافی نقل می‌کنند طبق این قول، بررسی سندی لازم ندارد اما اگر قائل شدیم که تمام روایات کافی صحیح نیست و در بین روایات کافی، روایاتی وجود دارد که از نظر سندی اشکال دارند مثلاً مراسیل در بین روایات کافی وجود دارد و همچنین ضعاف و مجاهیل در بین روایان وجود دارند در اینصورت سند روایات کافی باید بررسی شود.

**نتیجه:** دو اشکال مهم شده بود یکی این بود که عبارت خود مرحوم کلینی در مقدمه کتاب کافی دلالت بر صحت جمیع روایات کافی ندارد چون عمده دلیل قائلین به صحت، استناد به کلام مرحوم کلینی در مقدمه کتاب کافی بود که مستشکل گفت: چنین چیزی از عبارت مرحوم کلینی فهمیده نمی‌شود. اشکال دوم این بود که مستشکل گفت: صحت در کلام مرحوم کلینی از دو حال خارج نیست، یا صحت به این معنا است که خبر فی نفسه واجد شرائط حجیت است و یا صحت به این معنا است که خبر مشتمل بر قرائنی است که بواسطه آن قرائن صحیح شمرده شده و هر کدام از این دو معنا که مراد باشد باطل است و ما هم از این دو احتمال جواب دادیم و اشکالات وارد بر صحت روایات کافی را پاسخ دادیم. نتیجه اینکه به نظر می‌رسد روایات کافی صحیح و مورد اعتماد است.

**بحث جلسه آینده:** جمع بندی مباحث مربوط به صحت روایات کتاب کافی بحث جلسه آینده خواهد بود.

«والحمد لله رب العالمین»